

همگرایی و تعامل بین مذاهب اسلامی

□ محمدضیا حیدری^۱

چکیده

ارتباط مذاهب اسلامی با یکدیگر به منظور تحقق اخوت اسلامی، عزت و اقتدار در برابر دشمنان، یک امر ضروری و لازم است، در عصر کنونی، ظهور جریان‌های تکفیری و سلفی با هدف ایجاد تفرقه و آشوب در بین امت اسلامی، ضرورت گفتگو بین مذاهب را دوجندان کرده است. مذاهب اسلامی با وجود اختلافات، دارای اشتراکات زیادی در حوزه‌های مختلف فقه، کلام، فلسفه، عقاید و... است که می‌تواند مبنای تعامل و گفتگو قرار گیرد. برجسته شدن موارد اختلافی و غفلت از اشتراکات، سبب دوری مسلمانان از یکدیگر شده است، درگیری‌ها و نزاع‌های تاریخی شاهد این مدعا است.

تاریخ نشان داده است که ملت‌ها در سایه‌ی تعامل و هماهنگی به اوج عزت و اقتدار رسیده‌اند؛ و زمانی که این همگرایی را از دست داده‌اند، دچار اختلاف و تفرقه و در نتیجه نابودی شده‌اند. از این‌رو تعامل و همگرایی از مسائل بسیار مهم، حیاتی و ضروری جهان اسلام محسوب می‌شود.

در تحقیق حاضر سعی شده است به اصول و شاخص‌های مهم ارتباطات اشاره گردد، این اصول و شاخص‌ها، معیارهای صحیح ارتباط و تعامل مذهبی را مشخص می‌کند. برعلاوه سعی شده است در حد توان به ظرفیت‌های مهم مذاهب بیان شود. این ظرفیت‌ها اگر تقویت گردد می‌تواند همگرایی و اخوت اسلامی را تقویت نماید.

کلیدواژگان: ارتباطات، گفتگو، مذاهب، اخوت اسلامی

^۱ - کارشناسی ارتباطات فرهنگی mhaidarizia@gmail.com

مقدمه

اختلاف میان مذاهب اسلامی یک پدیده‌ی جدید و نوظهور نیست، بلکه از زمان رحلت پیامبر بزرگ اسلام (ص) و پیدایش مذاهب اسلامی، این اختلافات وجود داشته است. از مسائل کلامی، فلسفی، و فقهی گرفته تا مسائل سیاسی و اجتماعی و حکومتی و غیره. لکن باید توجه داشت که اختلافات علمی و فکری نه تنها مضر نیست بلکه وسیله رشد و ترقی است، بویژه اگر اختلاف در مسائل جزئی و فرعی باشد. پیدایش بسیاری از رشته‌های علمی در دنیای اسلام و پیشرفت مسلمانان در مسائل مختلف علمی (کلام، فلسفه، الهیات، فقه، اصول و...) مرهون همین اختلافات است. اما متأسفانه دنیای استکبار با استفاده از مسائل و اختلافات جزئی، سعی در ایجاد تفرقه و نفاق میان مسلمانان را دارد، تا بتوانند از این طریق، به اهداف شوم‌شان که همان سلطه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بر مسلمانان است دست یابند، در این راستا، گفتگو میان مذاهب اسلامی در وجوه گوناگون می‌تواند باعث افزایش وحدت اسلامی و یأس دشمنان اسلام گردد. عصر حاضر که به گفتگوی تمدن‌ها شهرت یافته است و سلاح و قدرت نظامی جایش را به ضرورت ارتباط بین مذاهب اسلامی را دو چندان کرده است.

تعریف ارتباط میان مذاهب

ارتباط و تعامل میان مذاهب به معنای اقدام یا اتخاذ موضعی از سوی پیروان یکی از دو مکتب تشیع یا تسنن در برابر پیروان مکتب دیگر به گونه‌ای است که منجر به پاسخ مثبت طرف مقابل گردد و در عمل پیامدهای آن بر مواضع هر کدام از طرفین انعکاس یابد. براساس این تعریف از تعامل در این باره دو دیدگاه وجود دارد:

- ۱- گاهی چنین تعاملی برخاسته از دو موضع مستقلی است که جداگانه از سوی پیروان مذهب معینی در برابر پیروان مذهب دیگر صادر می‌گردد.
- ۲- گاهی نیز جنبه کنش و واکنش (عمل و عکس‌العمل) دارد، بدین معنا که پیروان یک مذهب اقدام معینی به عمل می‌آورند و پیروان مذهب دیگر در مقام پاسخ به آن بر می‌آیند که

می‌تواند نتایج محدودی نیز به دنبال داشته باشد، گاهی هم این کنش و واکنش‌ها به مرور - زمان ابعاد بزرگتر و گسترده‌تری به خود می‌گیرد و البته نتایج عظیم‌تری نیز به دنبال دارد. (مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلام: ۱۳۸۸: ۲۵)

به عبارت دیگر از آنجا که تعامل متضمن برخورد دوجانبه و داد و ستد مثبت از راه نشان دادن واکنش‌های مثبت در ارزیابی اقدامات یکدیگر است، این واکنش‌ها هر بار شدت و صلابت بیشتری پیدا می‌کند و پیامدهای مثبت فراوانی دنبال خواهد داشت، این حقیقت در کلام پیامبر اکرم (ص) انعکاس یافته که فرمود: «برکت در جماعت است». جماعت تنها به معنای جمع شدن نیست و شامل انعکاس، تعامل دوجانبه، ارتباط و پیوند مستمر با پیامدهای مثبت برای هر دو طرف هم می‌گردد. ولی واقعیت تلخی که باید به آن اعتراف کرد عبارت از این است که مشکل امت اسلامی در عدم تعامل پیروان مذاهب مختلف با یکدیگر است، اگر تعامل نیز وجود داشته باشد از آنچنان همه‌جانبگی، منطق و اثرگذاری برخوردار نیست و چنان ناقص و نارساست که نمی‌تواند به طرف مقابل برسد.

ارتباط از منظر قرآن کریم

از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که گفتگو و مناظره به عنوان ابزار مناسب برای برقراری ارتباط بین فرهنگ‌ها و ادیان از جمله مذاهب اسلامی می‌باشد. در این میان، گفتگوی هابیل و قابیل را می‌توان نماد عینی از نخستین برقراری ارتباط و گفتگو در زندگانی انسان‌ها یاد کرد. گفتگوهای قرآنی را می‌توان به انواع مختلف تقسیم کرد:

۱- گفتگو به لحاظ مخاطب

در قرآن کریم گفتگوهای متعددی بین دو یا چند مخاطب نقل شده است، این گفتگوها گاهی بین خداوند و پیامبران و اولیای الهی با فرشتگان است و گاهی بین خداوند و آدمیان، در زمانی نیز برعکس بین پیامبران، فرشتگان و نیز آدم با خداوند. هم چنین در قرآن گفتگوهای متعددی پیامبران با اقوام و گروه‌های گوناگون گزارش شده است. گفتگوهای نوح و دیگر پیامبران با اقوام خود، گفتگوهای پیامبر (ص) با مؤمنان، مشرکان، اهل کتاب و

منافقان، گفتگوهای پیامبران علیهم السلام با طاغیان و سرکشان، نمونه‌های از این گفتگوهاست، از دیگر موارد گفتگوهای اقوام و گروه‌ها و مردم با پیامبران الهی و با یکدیگر است. آیاتی که با «أذكروا» آغاز می‌شود و یا انسان را به تعقل و تفکر ترغیب می‌کند و نفس آدمی مخاطب قرار می‌گیرد، دعوت به نوعی گفتگوی درونی است. علاوه بر این‌ها در قرآن کریم، گفتگوهای متعددی بین اهل بهشت و دوزخ، اشرار در روز قیامت، عاقلان و سفیهان و عاقلان و عاقلان گزارش شده است.

۲- گفتگو به لحاظ روش

با دقت در آیاتی که در آنها الفاظ «قال، قیل، قل، قالوا، یقولون و...» به کار رفته است می‌توان انواع متعددی از این گفتگوها مشاهده کرد. هرچند غالب آیات قرآن از نوع گفتمان، سؤال و جواب و یا سئوالات در تقدیر حکایت دارد؛ اما در یک نگاه کلی می‌توان به نمونه‌هایی از این گفتگوها اشاره کرد.

۲-۱ گفتگوهای تبلیغی: پاره‌ی از آیات، دلالت بر ابلاغ دارد، پیام‌های هدایتی و برنامه‌های خداوند از طریق پیامبران به مردم ابلاغ شده است.

۲-۲ گفتگوهای ارشادی: در آیاتی دیگر سخن از ارشاد است، در این آیات، عموماً لحن کلام با هدف پیام‌گذار هماهنگی دارد و با مروت و نرمی همراه است.

۲-۳ گفتگوهای استفهامی: در آیاتی از قرآن در پاسخ به سئوالات مطرح شده با پیامبر (ص) توضیحاتی بیان می‌شود، آیاتی که الفاظ «یستفتونک» یا «یسلونک» در آن‌ها به کار رفته از این قبیل است.

۲-۴ گفتگوهای استدلالی: که مهم‌ترین بخش گفتگوهاست در بسیاری از آیات قرآن کریم و مناظرات معصومین علیهم السلام استفاده از استدلال و برهان مورد تأکید قرار گرفته و با ذکر دلایل عقلانی و منطقی طرف مقابل دعوت به تفکر شده و سرانجام قانع گردیده است.

۳- گفتگو به لحاظ موضوع

از آن جا که مخاطبان اسلام کسانی هستند که قابلیت پذیرش و هدایت دارند هر موضوعی که مرتبط با انسان و در مسیر هدایت

و تکامل او باشد می تواند موضوع گفتگو قرار گیرد، در گفتگوهای دینی موضوعات محدود و خامی مطرح نشده است، این گفتگوها را می توان به لحاظ موضوع، این گونه دسته بندی کرد:

۱-۳ گفتگو در باره توحید، خدا پرستی، نفی شرک و تعداد آلهه، طرح عقاید و باورهای مشرکین در باره اثبات وجود خدا، تعقل و تفکر در باره وحدانیت خدا، اوصاف خدا و...

۲-۳ گفتگو در باره معاد و روز جزا، ثواب و عقاب، بهشت و دوزخ و توصیف این دو، اثبات معاد و زنده شدن مردگان و...

۳-۳ گفتگو در زمینه قرآن و حقانیت آن، عدم تحریف و ویژگی های این کتاب الهی و...

۴-۳ گفتگو در باره حلال ها و حرام های الهی، آداب و رسوم حاکم بر زمان، احکام و حدود الهی و تکالیف و ظایف ایمان آورندگان و... (فاضلی: ۲۶)

ارتباط از منظر روایات

با یک نگاه کلی به احادیث اهل بیت علیهم السلام می توان دریافت که ارتباط با برادران اهل - سنت همواره مورد تأکید ائمه علیهم السلام بوده است و آن ها پیروان خود را به تعامل و گفتگوی سازنده مطابق با معیارهای اسلام و در جهت حفظ وحدت و اخوت اسلامی توصیه می نمودند و از کسانی که به مقدسات مخالفین و غیر شیعه توهین می کردند براءت می جستند.

سیره گفتاری و عملی اهل بیت علیهم السلام نشان می دهد که آنها همواره در مسیر حفظ و انسجام امت اسلام حرکت می کردند و در این راه حتی از حقوق مسلم خود صرف نظر می کردند. در این جا به نمونه های از احادیث که در باب تعامل وارد شده اشاره می شود:

۱- عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كَيْفَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَصْنَعَ فِيمَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا وَفِيمَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ خُلَطَائِنَا مِنَ النَّاسِ؟ قَالَ: فَقَالَ: تُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ وَتُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَتَعُودُونَ مَرْضَاهُمْ وَتَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ». (کلینی: ۶۳۵)

معاویه بن وهب می گوید: «از امام صادق علیه السلام پرسیدم چگونه با خویشاوندان (شیعیان) و همکاران مان از مردم (مسلمان غیرشیعه) ارتباط داشته باشیم؟ حضرت فرمود: امانت را به آنان برگردانید و به حق شهادت دهید چه به نفع آنان باشد یا به ضررشان، و از بیماران شان عیادت کنید و به تشییع جنازه آنان حاضر شوید».

۲- وَ رَوَى عَنْهُ حَمَّادُ بْنُ عُمَرَ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ». (ابن بابویه: ۳۸۲)

حماد بن عیسی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: هرکس همراه آنان (مخالفان و اهل سنت) در صف اول نماز بگذارد مانند کسی است که پشت سر رسول خدا نماز گذارد.

۳- عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَا إِسْحَاقُ أَتَصَلِّي مَعَهُمْ فِي الْمَسْجِدِ؟ قُلْتُ: نَعَمْ قَالَ: صَلِّ مَعَهُمْ، فَإِنَّ الْمُصَلِّي مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَالشَّاهِرِ سَيْفَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». (طوسی: ۲۷۷/۳)

اسحاق بن عمار می گوید: «امام صادق علیه السلام به من فرمود: یا اسحاق! آیا با آنان (مخالفان) در مسجد نماز می گذاری؟ گفتم: آری، فرمود: با آنان نماز بگذار! که هرکس با آنان در صف اول نماز بگذارد، مانند کسی است که در راه خدا شمشیر کشیده است».

۴- عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ فِي الْمَسْجِدِ وَحُسْنِ الْجَوَارِ لِلنَّاسِ وَإِقَامَةِ الشَّهَادَةِ وَحُضُورِ الْجَنَائِزِ إِنَّهُ لَا بُدَّ لَكُمْ مِنَ النَّاسِ إِنَّ أَحَدًا لَا يَسْتَغْنِي عَنِ النَّاسِ حَيَاتَهُ فَأَمَّا نَحْنُ نَأْتِي جَنَائِزَهُمْ وَإِنَّمَا يَنْبَغِي لَكُمْ أَنْ تَصْنَعُوا مِثْلَ مَا يَصْنَعُ مَنْ تَأْتُمُونَ بِهِ وَالنَّاسُ لَا بُدَّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ مَا دَامُوا عَلَى هَذِهِ الْحَالِ حَتَّى يَكُونَ ذَلِكَ ثُمَّ يَنْقَطِعُ كُلُّ قَوْمٍ إِلَى أَهْلِ أَهْوَائِهِمْ» (مجلسی: ۱۶۲/۷۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «بر شما لازم است که در مساجد آنان نماز بگذارید و با مردم (عموم مسلمانان) خوب همسایگی کنید و در مورد آنها گواهی دهید و بر جنازه‌های شان حاضر شوید، همانا شما چاره‌ی جز زندگی در میان مردم ندارید. هیچ کسی در زندگی‌اش از مردم بی نیاز نیست و مردم ناگزیر به یکدیگر نیازمندند».

شاخص‌ها و اصول ارتباطات از دیدگاه اسلام

الف: تکریم انسان

با توجه به این‌که تمام انسان‌ها فارغ از نژاد، ملیت، عقیده، به عنوان مخلوق خداوند از کرامت رحمانیه برخوردار هستند، پس باید همه انسان‌ها را مورد تکریم قرار داد و حرمت آن‌ها را پاس داشت. در مواردی نیز که نقد اعتقادات و باورهای دیگران ضرورت می‌یابد شایسته است که این کار توأم با احترام و به دور از هرگونه توهین و تحقیر انجام شود. در این صورت تعامل شهروندان با غیر در عرصه‌های محلی، ملی و جهان به دور از هرگونه خشونت خواهد بود.

ب: احترام به مقدسات جوامع

با توجه به این‌که در جوامع مختلف، مقدسات متفاوتی وجود دارد و از سوی دیگر، انسان‌ها نسبت به مقدسات خود علاقه خاص دارند و از آن‌ها در مقابل هر نوع بی‌احترامی دفاع خواهند کرد لازم است با مقدسات جوامع مختلف، با کمال احترام برخورد نماییم، تا آنان نیز حرمت مقدسات ما را پاس بدارند، به همین دلیل خداوند متعال مسلمانان را از این‌که بت‌های مشرکین را مورد اهانت قرار دهند منع می‌کند، و می‌فرماید: (وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ)، (انعام ۱۰۸) «کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها از روی جهل، خداوند را دشنام دهند، این آیه یکی از ادب‌های دینی را خاطر نشان می‌سازد که با رعایت آن، احترام مقدسان جامعه دینی محفوظ مانده و دست خوش اهانت و ناسزا نمی‌شود». (طباطبایی: ۷ / ۴۳۴)

بنابراین کرامت و شرافت انسانی اقتضاء می‌کند که به مقدسات و عقاید دیگران احترام گذاشته شود و البته نقد منصفانه و سازنده منافات با احترام گذاشتن ندارد.

ج: تاکید بر اصول مشترک

بین مذاهب اسلامی اشتراکات مذهبی فراوانی در حوزه عقاید، فقه، فلسفه، کلام، تاریخ، فرهنگ، و... وجود دارد که می‌تواند با ایجاد فضای گفتگو، استخراج شود. متأسفانه بر اثر بی‌توجهی علماء، دانشمندان، بسیاری از اشتراکات میان مذاهب بر پیروان آنها پوشیده مانده است، و این سبب شده است که نه تنها زمینه تعامل مذهبی از بین برود بلکه باعث بروز بدگمانی‌ها، تهمت‌ها، تکفیر و احیانا به وجود آمدن جنگ‌های داخلی ویرانگر گردد.

د: مشخص نمودن موارد اختلافی

بدون تردید رشد علمی و ترقی دانش و اکتشافات، مرهون تضارب آراء و تقابل افکار و اندیشه‌ها است. رفع تمام اختلافات نه ممکن است و نه مطلوب، زیرا در این صورت رکود علمی به وجود می‌آید که به ضرر همه فرق اسلامی است. برعلاوه بسیاری از اختلافات ناشی از اختلاف قرائت‌ها و استنباطات فقهی علماء است که اسلام آنرا به رسمیت شناخته است لکن آنچه مهم است که دانشمندان و فقهای بزرگ با یکدیگر گفتگو نمایند و موارد اختلافی را بررسی نمایند. و در موارد اختلافی می‌توانند بر اساس تساهل و تسامح که یک اصل مسلم اسلامی است عمل نمایند. در این صورت مشخص خواهد شد که ضروریات دین که مشخص کننده مرز کفر و اسلام است (از قبیل ایمان به خدا و نبوت عامه و نبوت خاصه و معاد... یا مثل نماز، روزه، حج، زکات، جهاد، خمس...) مورد وفاق همه مذاهب اسلامی است اما اختلاف موارد فرعی و غیر ضروری در فقه، به نظری بودن مسئله از یکسو و دخالت برخی عناصر دیگر در فهم بر می‌گردد از قبیل: زمان و مکان و معلومات غیر فقهی فقیه، قطعی نبودن برخی از منابع دینی از قبیل اخبار واحد و... و این باعث خروج از دین و ارتداد نمی‌شود.

ه: دوری از تعصب

تعصب اصرار ورزیدن بر امور نادرست به دلیل علاقه وافر فرد به آن امر یا مخالفت متعصبانه با موضوعاتی به دلیل کینه و دشمنی با آن‌هاست. هم چنین، ناظر به پذیرفتن و باور به چیزی است که فرد از بحث و مباحثه در پیرامون آن‌ها گریزان است، این نوع تعصب، جانب‌داری، و عدم رعایت بی‌طرفی در حوزه‌های مختلف، باب تساهل و تسامح را در بین شهروندان می‌بندد و زمینه‌های خشونت را فراهم می‌کند، زیرا تعصب جاهلانه، همچون غباری جلوی دید عقل را می‌گیرد و مانع پویایی و معرفت، جریان آزاد اندیشی و پذیرش حق می‌شود.

مرحوم علامه طباطبایی (قدس سره) در این زمینه می‌فرماید: هیچ چیز چون شعله‌های تعصب جاهلانه، شاخه‌های درخت فلسفه الهی را خشک و تباه نمی‌سازد، چون تعصب است که به طور کلی، هرگونه پذیرش حق و حقیقت را زائل می‌کند. (طباطبایی: ۴۰)

در تعاملات مذهبی، تعصب و جانب‌داری از یک موضوع و یا یک نژاد و قوم و مذهب خاصی بزرگ‌ترین آفت به حساب می‌آید، زیرا با تعصب حقیقت همیشه کتمان می‌ماند و باعث می‌شود که گفتگو و مذاکره‌های علمی به سرانجام نرسد. هرکدام از مذاهب فقهی، دوران‌های را برای پرورش خود گذرانده اند پس از شکل‌گیری مذاهب، پدیده‌ی تقلید و پیروی از امامان مذاهب بوده است اما این تقلید به مرور ایام به تعصب تبدیل شد و باعث گردید که سران مذاهب حالت تکبر به خود گرفته و علیه مذهب دیگران موضع بگیرند و به تمسخر و استهزاء پردازند. تعصبات مذهبی سبب بروز اختلافات و حتی جنگ‌های داخلی میان مذاهب اسلامی می‌گردد و نقدهای علمی و مباحثات لفظی تبدیل به خصومت و نزاع می‌شود.

و: نوع دوستی

نوع دوستی یکی از اصول مهم اسلامی در جهت ایجاد تعامل است، نوع دوستی، گسترش حب ذات از خود به دیگری است، هم چنین نوع دوستی از دوست داشتن خیر و نفع دیگران، شفقت و مهربانی نسبت به آنان سرچشمه می‌گیرد، چنانچه خداوند متعال در باره پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: (بِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ

حَوْلِكَ) «رحمت خدا تو را با خلق مهربان و خوش خوی گردانید و اگر تندخو و سخت دل بودی، مردم از پیرامون تو متفرق می شدند. (آل عمران/ ۱۵۹)

پس برخورداری از خلق عظیم و سجایای اخلاقی، رفق و مدارا و ملائمت با خلق خدا، عاملی برای گسترش نوع دوستی بین انسان‌ها در عرصه محلی، ملی و جهانی است. رقت قلب و ترحم، یکی از راه‌های ابراز حس نوع دوستی نسبت به دیگران است که از نوع کمبود یا نقص رنج می‌برند، رقت قلب تأثر شعور خاص است در انسان که باعث می‌شود انسان رحم دل، نسبت به فرد مرحوم تلافی و مهربانی کند. (طباطبایی: ۵/ ۳۰۰)

به این ترتیب، داشتن تلافی و مهربانی، احسان و نیکی نسبت به دیگری می‌تواند عاملی برای از بین بردن کینه‌ها و دشمنی‌ها باشد. حب و بغض‌ها می‌تواند عاملی برای ایجاد روابط غیر دوستانه باشد، شهروندان جامعه مدنی بدون کنترل حب و بغض‌های خود قادر نخواهد بود نوع دوستی را گسترش دهند.

به عبارت دیگر، کسی که اسیر حب و بغض‌های خود است، نوع دوستی محدودی خواهد داشت که معطوف به هم‌فکران و هم‌کیشان اوست و به این ترتیب، حب و بغض‌های درونی به او اجازه نخواهد داد نوع دوستی را گسترش بدهد. دوری از خشونت نیز یکی از شیوه‌های نوع دوستی است.

یکی از بلاهای که امروزه دامنگیر مسلمانان و غیر مسلمانان در عرصه محلی، ملی و جهانی شده است، گسترش خشونت و تعامل نا مطلوب با دیگران است که در مقابل نوع دوستی، محبت، رفق و مدارای انسانی می‌باشد. در حالی که اسلام دین محبت والفت و اظهار لطف، نسبت به هم نوعان است.

احمد حسینی در کتاب الخشن می‌گوید: «امروزه به مردمانی گرفتار شده‌ایم، سخت خشن و سنگدل که مهربانی به دل‌های آن‌ها راه ندارد و جنایت‌های آن به اسلام بیش از نیکی‌هایشان به این دین است». (دانش: ۸۹)

و: تقیه

یکی دیگر از اصول مهم که نقش مهمی در تعامل میان مذاهب دارد، تقیه است، زیرا تقیه در ابعاد گوناگون، خواه تقیه خوفی یا تقیه مداراتی، کمک بسیار اساسی در جهت حفظ مبانی و اعتقادات و از سوی هماهنگی و هم‌سویی با سایر مسلمانان که در دیدگاه مخالف‌اند داشته است. شیعیان در طول تاریخ به تبعیت از ائمه هدی علیهم السلام از این اصل پیروی نموده‌اند تا مراوده و تعامل خوبی با برادران سنی خود داشته باشند. امام صادق علیه السلام فرمود: «التَّقِيَّةُ دِينِي وَ دِينِ آبَائِي وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ». (عاملی: ۲۰۰/۵)

«تقیه آیین من و آیین پدرانم است و کسی که تقیه ندارد ایمان ندارد».

ح: پذیرش اختلافات فکری و مذهبی

قرآن کریم مهم‌ترین متن دینی برای درک حقیقت دین است که متعلق فکر و عقلانیت مسلمانان قرار گرفته است، قرآن قبل از نزول آن به زبان عربی، در مرتبه لوح محفوظ قرار دارد.

هر متفکر و دینداری که اهل خردورزی بوده به تأمل و تفسیر آیات قرآنی پرداخته است. ماحصل آن شکل‌گیری روش‌ها و گرایش‌های تفسیری متعدد شده است، علاوه براین می‌توان به شکل‌گیری فرقه‌های در باره مسائل کلامی و اعتقادی از قبیل اهل حدیث، حنابل، اشاعره، معتزله، شیعه امامیه و ... اشاره کرد. (گلپایگانی: ۲۳)

باز بودن باب تأویل و تفسیر در ارتباط با آموزه‌های قرآن و هم طراز نبودن عقل با وحی برای دریافت فهم ناب و خالص از دین وعدم دستیابی به چنین فهمی و به تبع این امر، امکان خطاپذیر بودن تفسیرها از دین وعدم وجود تفسیر یگانه از دین منجر به شکل‌گیری مذاهب و فرقه‌های دینی مختلف بین مسلمانان و نحله‌های کلامی مختلف شده است. (جوادی آملی: ۱۸۷)

با توجه به این واقعیت، ما ضمن پای بندی به فهم استدلال خود از دین، باید این اختلافات را بپذیریم تا بتوانیم تعامل مناسب با دیگری داشته باشیم.

امروزه گروه‌های تندرو و خشونت طلب وهابی، همچون طالبان، داعشی، النصره با تکفیر نمودن سایر فرقه‌های اسلامی که مخالف عقاید و افکار آنها است بزرگ‌ترین چالش بر سر راه تعاملات میان مذاهب اسلامی بویژه شیعیان امامیه با اهل سنت به حساب می‌آیند.

مسعود رضایی در این باره می‌نویسد: «با توجه به اجتناب ناپذیر بودن اختلافات فکری و مذهبی در میان علماء به دلیل عدم دسترسی به کتاب مکنون و مواجهه آن با الفاظ علوم وحیانی و تفسیر آن، ممکن است درست یا نا درست باشد، بر این اساس لازم است متفکران دینی در عین اختلافات فکری و مذهبی و در عین التزام و پابندی به فهم استدلالی خود از دین، حرمت یکدیگر را پاس بدارند و از توهین و تخریب و ناسزاگویی و تحریک عواطف مردم علیه یکدیگر پرهیز نمایند. ولی متأسفانه امروزه بعضی از متفکران، مخالفان خود را با واژه‌های ناشایستی تخریب می‌کنند، واژگانی هم‌چون فاشیست، بی‌سواد، چراغ‌مرده، خشونت‌پرور، نظریه‌پرداز، استبداد، هذیان‌گو، بی‌تحمل، پر خاشگر، واپس‌گرا، خشونت‌ستا، دین فروش، فیلسوف‌نما، ولایت فروش، عصبی، روانی، تندخو، فتنه‌گر، مریدساز کم‌دانش، قدرت طلب و...». (رضایی: ۱۶)

اختلاف نظر یک پدیده ضروری در مسائل نظری و پدیده طبیعی در مسائل عقیدتی است، آن گونه که اختلافات اندیشه در بین صاحب نظران یکی از بدیهی‌ترین پدیده‌های معرفت پویا است. این پدیده به قدری شایع است که نمی‌توان حتی دو متفکر اسلامی صاحب نظر در یک دسته واحد را پیدا کرد که آن دو در همه تعاریفات و مواد و روش استدلال در همان رشته اتفاق نظر داشته باشند که این همان اختلاف معقول است.

آنچه در این میان مهم است، آنکه در چنین اختلافاتی باید با سعه صدر برخورد نمود و هیچ یک، دیگری را تکفیر و خارج از اسلام تلقی نکند با چنین دیدگاه و رویکردی است که مثل کتاب تجرید الاعتقادات، (تألیف خواجه نصیرالدین طوسی) یکی از بزرگ‌ترین عالمان شیعه، مورد شرح ملاعلی قوشجی، از علمانی معروف اهل سنت قرار گرفته و کتاب المحجبه

البیضاء (ملا محسن فیش کاشانی) از مشاهیر علمای شیعه در شرح و تحقیق «احیاء العلوم» غزالی (از نامی‌ترین علمای اهل تسنن) تألیف و نگاشته شده است. بنابراین، در طریق وصول به وحدت معقول نخستین گام، همانا وسعت یافتن دیدگاه متفکران و شخصیت‌های بزرگ اسلامی است و عامل اساسی این توسعه دیدگاه‌ها، رهایی از چارچوب تنگ و تاریک تعصب غیر منطقی می‌باشد، از آنجا که اختلاف عقیده و تفاوت دیدگاه در غیر اصول و ضروریات دینی به ایمان، آسیبی نمی‌رساند و شخصی را از اسلام خارج نمی‌سازد، فقهاء و دانشمندان طراز اول جهان اسلام با تأکید بر اصول دین و تکیه بر مشترکات موجود میان مذاهب اسلامی به صراحت اعلام می‌دارند که اختلافات فرعی و جزئی موجب کفر یا خروج از دین نمی‌گردد تا مبدا کسی به خود اجازه دهد که با حربه تفاوت دیدگاه عقیدتی، دیگران را متهم به تکفیر و تفسیق نماید و چه بسا جان و مال او را مباح بشمارد.

از این رو با مطالعه و نگاه به آثار اندیشمندان مصلح و مسلمان شیعه و سنی در می‌یابیم که یکی از عوامل مانع گرایی و هم‌اندیشی و برداشتن اختلافات، همانا قصه تلخ تاریخی تکفیر و تفسیق، مذهبی مذهب دیگر را و مسلمانی مسلمان دیگر را کافر دانستن است. (نویسندگان: ۱۹۲)

نتیجه‌گیری

ارتباط بین مذاهب اسلامی از ابتدای تشکیل و پیدایش مذاهب اسلامی، همواره بین سران و پیروان آن مطرح بوده و در طول تاریخ فراز و نشیب‌های زیادی را طی نموده است، لکن دستاوردها و نتایج آن مقطعی و یا غیر موفق بوده است و دلیل آن هم گاهی عوامل بیرونی و احیاناً هم داخلی بوده است. بزرگنمایی اختلافات جزئی و به فراموشی سپردن اشتراکات، یکی از دلایل مهم به ثمر نرسیدن تعاملات بین فرقه‌های اسلامی است، در حالی‌که اشتراکات زیادی بین مذاهب اسلامی در حوزه‌های مختلف عقیدتی، کلامی، فلسفی، فقهی، تفسیری، تاریخی و... وجود دارد که اگر کشف و استخراج شود می‌تواند عامل مهمی در تقریب و نزدیکی بین مذاهب اسلامی گردد. اعتقاد به توحید، قرآن کریم، سنت، سیره اهل بیت علیهم السلام از اصول اساسی ارتباط به حساب می‌آید که رعایت آن نقش مهم در ایجاد همدلی و همبستگی و اخوت اسلامی دارد.

کتابنامه

ابن بابویه، محمد، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چ دوم، ۱۴۱۳ ق.

باقر مجلسی، محمد، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چ دوم، ۱۴۰۳ ق.
جوادی آملی، عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، اسراء ۱۳۸۷ ش.
حسین، احمد، موسی دانش، الخشن، اسلام و خشونت، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۰ ش.

حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۹ ق.
ربانی گلپایگانی، علی، فرق مذاهب کلامی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
رضایی، مسعود، در جستجوی فاشیسم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
طباطبایی، محمد، علی و فلسفه الهی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

فرهیختگان جهان اسلام، امت اسلامی از تنوع مذهبی تا فرقه‌گرایی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چ اول.

فاضلی، مهسا، مجله بشارت، آبان ۱۳۸۵ ش، شماره ۵۵
کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
نویسندگان، مسجد، بستر گفتمان وحدت، قم، نشر ثقلین، ۱۳۸۹ ش.